

## قانون مجازات عمومی

و عمل و تطبیق با قانون مجازات بایکدیگر مختلف اند و واضح است که فاعل مرتکب چند جرم شده است.

۱. اکنون باید دید کیسکه بکیفیت فوق جرائم مختلفی را انجام داده چگونه مجازات دهیم آیا برای هر يك مجازات مخصوص پیش بینی کنیم و با مجموع عملیات را در نظر گرفته و برای آن يك مجازات در نظر گیریم؟ و یا آنکه آنرا جرم خاص تلقی کنیم؟

برای تأمین منظور فوق سه اصل و عقیده مختلف موجود است.

۱- تعدد مجازات و اجرای مادی هر يك - بطوریکه مرتکب سرقت و جعل بمجازات هر دو جرم برسد لیکن این رویه دارای معایب چندی است چنانچه بعضی مجازاتها با هم قابل جمع نیستند؛ مثل مجازات اعدام با حبس مؤبد ثانیاً اجرا کردن مجازات هر جرمی گاه موجب آن میشود که مجرم نه تنها در تمام عمر بکشیدن مجازات مشغول باشد بلکه گاه تا مدتی بعد از زندگیش هم از نظر مجازات مدیون جامعه بماند در عمل بکرات دیده شده که شخص مرتکب ده فقره جرم جنائی گردیده که استحقاق مجازاتش از ده سال برای هر يك از جرائم بیشتر است.

بعلاوه اجرای چند مجازات مختلف موجب تغییر نوع آن نیز میگردد مثل آنکه مجرمی بحبس مجرد و با اعمال شاقه و تأدیبی محکوم شود.

ب- اعمال مجازات اشد - یعنی با آنکه شخص مرتکب چندین جرم شده بعد اکثر مجازات جرم اشد محکوم شود و سایر مجازاتها در مجازات شدید مستتر و جنب آن گردد این رویه نیز دارای این عیب است که اگر بعد از بجهاتی موجبات رفع مجازات مزبور فراهم شد مثل مورد عفو

خاصه اگر توجه کنید که توسل او باین جرم فقط برای تسهیل وسائل و اطمینان کامل برسیدن منظور اصلی است - پس تعدد عمل و عنوان وقتی بروحدت جرم دلالت دارد که عملیات مزبور لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر بوده و برای رسیدن مجرم بمقصود خویش یگانه راه باشد مثل آنکه سرقت مسلح یا دزدی در شب و از داخل عمارات جز بمحمل سلاح و استعمال آن یا بالا رفتن از منزل و یا شکستن درب و پنجره میسر نیست و در حقیقت قانونگذار در تشدید مجازات این نوع سرقتها مجازات عملیات مختلفه را هم در نظر گرفته و بهمین جهت آنرا از مجازات سرقت عادی شدیدتر کرده است برعکس بین کلاهبرداری و جعل هیچ تلازمی در پیش نیست و ممکن است شخص بوسائل دیگری غیر از حبس توسل شود و در حقیقت یگانه راه رسیدن بمقصود نخواهد بود؛ با این حال اگر مجرم باین وسیله هم دست میزند برای اطمینان در رسیدن بمقصود اصلی است که آنکه شخص برای آنکه موفق بقتل کسی یا سرقت شیئی گرانبها و مهمی گردد تمام اطرافیان و محافظین را هم معدوم و یا مصدوم و یا مسموم سازد. در این صورت محقق است که برای هر يك از اعمال مزبور " قصد مخصوص " و فکر علیحده لازم است و انجام آنها فقط منبذ تسهیل عمل است نه یگانه وسیله معینی به آن.

### ۲- تعدد از نظر مادی و واقعی

و آن وقتی است که جرائم مختلفه هر يك با قصد مخصوص و ارکان علیحده و مربوط بجرم مستقلاً انجام گیرند در این حالت است که تعدد جرم بتمام معنی صورت میگیرد مثل آنکه شخص مرتکب سرقت - ضرب و جرح - عمل منافی عفت و قتل گردد یا یکی از جرائم مزبوره را چندین بار انجام دهد، چون ارکان هر يك از جرائم علیحده و از حیث عنوان

یا تبرئه مجرم از جرم شدیدتر سایر جرائم شخص بدون مجازات مانده و در حقیقت با آنکه وی جرائم دیگری هم مرتکب گردیده برای هیچیک مجازات نمیبیند.

ج- تعدد مجازات از نظر جزائی و اجرای اشد آن (۱)  
که عبارت از محکوم ساختن مجرم است برای هر يك از جرائم ارتكابی بمجازات مقرر برای آن جرم ولی اجرای شدیدترین آنها در باره او ... باین طریق معایبی که در دو نظریه پیش دیدیم جلوگیری شده و ضمناً منافع جامعه و مجرم و حقوق هر دو در نظر گرفته و تأمین شده است.

قانون مجازات عمومی ایران - کلیه اصول نامبرده را قبول کرده بدین معنی که: اولاً در تعدد از نظر فرض و رسمی احکام راجعه بتعدد جرم را جاری ندانسته مثلاً موردی که شخص مرتکب يك عمل که دارای عناوین چند از نظر جزائی است شود آنرا يك جرم و اشد عنوانی که در قانون مجازات برای آن قائل شده اند بجرم مزبور میدهد:

ماده ۳۱ - هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده میشود که جزای آن اشد است ثانیاً در جرائمی که تعدد عمل و عنوان ولی وحدت قصد مجرمیت موجود است عمل مجرم را يك جرم و مورد را مشمول تعدد جرم نمیدانند.

ثالثاً - در انجام عملیات مختلف که در قانون برای فرد آنها جرم خاص و مجازات مستقلی ذکر شده تعدد جرم و مجازات را قائل بعبارة دیگر تعدد از نظر مادی و واقعی را که جدیدترین رويه در حقوق جزائی است اتخاذ نموده و قاضی را موظف بصدور حکم مجازات برای هر يك از عملیاتی که بموجب قانون جرم است با الزام با اجرای شدیدترین مجازات نموده و باین طریق از عقیده دسته سوم علماء پیروی و با فسخ مواد ۳۲ و ۳۳ قانون مجازات که دارای همان اشکالات و معایب نامبرده در دو رويه دیگر بود و وضع ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی کلیه منظورات مزبور را تأمین کرده است.

(۱) برای تشخیص مجازات اشد چه از حیث نوع و چه درجه و میزان بفضل مجازات مراجعه شده

اینک ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات ( مصوبه ۲۶ ر ۷۱۱۳۱ )

« اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر يك از آنها مطابق قانون جرم باشد محکمه برای هر يك از آن اعمال حکم مجازات علیحده صادر خواهد کرد ولو این که مجموع آن اعمال بموجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه دیگری باشد. در صورتیکه « فرد فرد اعمال ارتكابیه جرم بوده بدون این که مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاص داشته باشند محکمه باید برای هر يك حد اکثر مجازات مقرر را معین نماید « در صورتیکه فرد فرد آن اعمال جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاص داشته باشد محکمه باید برای هر يك از آن اعمال مجازات علیحده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم « قرار دهد. »

« در هر يك از موارد فوق فقط مجازات اشد بموقع اجرا « گذارده میشود. »

### در آثار تعدد

همانطور که پیش گفته شد آثار حکم تعدد در وحدت تعقیب و رسیدگی و صلاحیت است بطوریکه مجرم برای تمام جرائم یکجا تحت رجوعی قرار گرفته در موقع رسیدگی نیز در يك دادگاه جرائمش مورد نظر واقع و از نظر صلاحیت نیز دادگاهی که صلاحیت رسیدگی بجرم شدیدتر را دارد برای تمام آنها صالح خواهد بود پس در چنین فرض و هرگاه مجرم برای تمام جرائم تعقیب و حکم برای آنها صادر گردیده دیگر بهیچ عنوان نمیتوان نسبت باعمال مزبور دوباره همان شخص را تعقیب نمود.

لکن گاه اتفاق میافتد که تمام اعمال مجرم یکمرتبه کشف نمیشود بلکه بعضی از آنها بعد از جلب او بمجا که و برخی دیگر ممکن است پس از صدور حکم مجازات دسته اول کشف گردد - در این صورت و با اینکه قانوناً چون تمام جرائم قبل از صدور حکم محکومیت انجام شده و از این

موردی نداشته بمنزله اتلاف وقت و ایجاد خرج برای جامعه است.

لکن طرفداران عقیده فوق منطق و فلسفه وضع قوانین و احکام راجع بتعدد جرم را (منحصراً معایبی که بدان اشاره کردیم) فراموش میکنند چه همانطور که پیش گفتیم حکم مجازات واحد باشد از جمله دارای این عیب بود که بابت بزه مجرم از جرم مزبور سایر جرائم او نیز بدون مجازات میماند از طرف دیگر هر چند مقصود بزرگ جامعه از وضع مجازات تنبیه مجرم است لکن منظورات مهم دیگری نیز در این موضوع مورد توجه قانونگذار بوده از آنجمله است تأمین حقوق و خسارات آسیب دیده از جرم که امکان پذیر نیست مگر بر رسیدگی و صدور حکم درباره مجرم - پس اگر بنا بقییده فوق همین قدر که برای جرم شدید مجازاتی صادر شد سایر جرائم بلا تعقیب بماند تأمین حقوق اشخاص مزبوره نیز که جز بثبوت اصل جرم ممکن نیست میسر نخواهد بود.

همچنین آثار تبعی محکومیت برای جرائم مزبور یا مجازاتهای تکمیلی که باید بر علیه مجرم [خاصه در اعمالی که اصطکاک با اخلاق و عفت عمومی داشته] وضع شود بقول عقیده دسته اول از بین میروند.

بهر حال عقیده اکثریت و رویه قضائی بر تعقیب مجرم و صدور حکم مجازات در باره او است منتها اگر میزان به مجازات حکم اخیر خفیف تر از میزان حکم اولیه بود از نظر اجرائی حکم مزبور اثری نداشته و فقط بهمان مجازات حکم اول که بموقع اجرا گذارده شده قناعت میشود.

۲ - جرائمی که مورد حکم واقع شده خفیف تر بوده و آنچه که بعداً کشف و تعقیب شده محتاج بمجازات شدیدتری است در این صورت جرائم بعدی نیز تحت تعقیب قرار گرفته و پس از انجام سیر عادی خود و رسیدگی از طرف دادگاه چنانچه حکم صادره از حیث میزان مجازات خفیفتر گردید که مورد مشمول حالت قبل و احکام آن جاری میشود و در صورتیکه مجازات مزبور شدیدتر تشخیص شد - با احتساب میزان بمجازات گذشته و وضع آن از مجازات حکم اخیر فقط بقیه آن بموقع اجرا گذارده میشود.

نظر کلیه آنها مشمول تعدد جرم و احکام آن میباشد باید دید احکام مزبور و آثار فوق الاشعار تماماً بحالت خود باقیست و جرائمی که بعد از حکم اولی مورد بازجوئی و حکم واقع میشود جزاً دارای همان نتایج و حکم دادگاه دارای آثار یک حکم معمولی و بنابر این قابل اجرا خواهد بود یا آنکه احکام تعدد بشرح پیش در این مورد هم جاری است؟ و در صورت اخیر بچه نوع باید رعایت آنرا نمود؟

بطور کلی و از نظر اصول حقوقی در اینکه جرائم اخیر قابل تعقیب و رسیدگی بوده و بایستی برای هر یک از آنها نیز حکم مخصوص صادر گردد جای تردید نیست چه هر چند مجرم شخص واحدی است لکن چون موضوع جرم اخیر با جرمی که قبلاً رسیدگی و منتهی صدور حکم گردیده متفاوت و هم چنین بموجب اصل دیگر که اشخاص از نظر جزائی مسئول فرد اقدامات خود هستند باز پرس از عملی مانع از تعقیب عمل دیگر نخواهد بود.

و اما از نظر آثار حکم جدید باید آثار تبعی و تکمیلی و آثار حقوقی و بطور کلی هر آنچه از يك حکم محکومیت جزائی متوجه شخص مجرم و افراد دیگر میگردد از اثر اجرائی معززی شود در مورد دسته اول حکم اخیر نافذ و مؤثر بوده مانند کلیه احکام تمام شرایط و نتایج و آثار يك حکم عادی است.

ولی راجع بانثر اجرائی حکم مزبور باید فرق گذارد بین حالتی که حکم مجازات قبلی میزان شدیدتر از حکم اخیر است و یا آنکه حکم اخیر در صورت صدور شدیدتر میشود.

۱ - مجازات جرم پیش بموجب حکم صادره شدیدتر است - در این حالت و پس از آنکه جرائم مورد رسیدگی بعدی از حیث مجازات - و با وجود رعایت احکام راجع بتعدد (از جمله حداکثر مجازات) - خفیفتر تشخیص شدند بقییده بعضی صدور حکم مجازات مجدد موردی ندارد چه بنظر آنها چون بزرگترین مقصود قانونگذار با اجرای مجازات است تأمین گردیده و حکم مجازات مزبور صادر گشته و از طرفی هم منظور مهم دیگر از تعقیب مجرم (که تنبیه اوست) در این حالت عملی گردیده بنابر این تجدید تعقیب و صدور حکم دو باره

۳ - جرائم دیگر در هنگام محاکمه جرم پیش کشف شده : در اینحال اگر دلایل و امارات کافی بر ثبوت آنهاست قاضی جرائم مزبوره را هم مورد حکم قرار میدهد مگر آن که مدعی العموم صریحاً از آنها صرف نظر کند - و بموجب بعضی قوانین قاضی نمیتواند آنها را هم مورد رسیدگی و حکم قرار دهد مگر بتقاضای مدعی العموم .

و اگر دلایل و امارات کافی نبوده محتاج بیازجویی است در اینصورت نیز قوانین کشور ها و رویه قضائی آنها مختلف است - بموجب بعضی از آنها دادگاه بخودی خود قائم مقام مدعی العموم و بمسئولیت دستور تکمیل رسیدگی داده و تا ختم محاکمه را نسبت به جرم اول نیز موقوف و پس از اعاده پرونده نسبت به تمام آنها رأی صادر میکند - و بموجب قوانین کشور های دیگر دادگاه نسبت بهمان جرم که مدعی العموم بتقاضای تعقیب کرده رسیدگی و فقط کشف جرم تازه را بمدعی العموم مزبور اعلام میکند تا چنانچه وی تعقیب جرم مزبور را لازم و مقتضی دید بعداً اقدام و رسیدگی علیحده را ایجاب میکند - ولی این رویه چندان مورد توجه نیست چه اثبات جرم مزبور کاملاً مؤثر در مجازات جرم قبلی است از طرفی صرف اعلام جرم بمدعی العموم آنها با معلوم نبودن اینکه مشارالیه جرم مزبور را مقتضی تعقیب میدانند یا خیر خود برای دادگاه ایجاد یکنوع بلا تکلیفی خواهد کرد چه همانطور که گفته شد اگر جرم اخیر دارای ادله کافی و بمعرض ثبوت برسد در حکم دادگاه از نظر ماهیت مجرم و میزان مجازات و هم چنین رعایت اصول مربوطه تعدد مؤثر است بنابراین رسیدگی بجرم قبلی و موقوف گذاردن و یا بنظر مدعی العموم سپردن تعقیب خود نقص بزرگی است در اصول قضاوت که دارای آثار و معایب حقوقی چند خواهد بود - بهمین جهت غالب کشور ها و مخصوصاً آنها که اصول و قواعد تازه را در قوانین خود قبول کرده اند همان رویه اول را اتخاذ و دادگاه را قائم مقام مدعی العموم میدانند .

قانون مجازات عمومی ایران نیز پیرو همین رویه بوده و ماده (۱) از مواد الحاقی با اصول محاکمات جزائی مشروحاً تکلیف این قسمت را معین کرده بدین توضیح که

اگر دلایل برای ثبوت و تحقق جرم تازه که دادگاه بدان پی برده در پرونده موجود بود آنرا هم مورد رسیدگی و صدور رأی قرار میدهد مگر آنکه مدعی العموم بموجب مصالح و مقتضیات صریحاً رسیدگی بجرم مزبور را از مورد ادعای خود یا رسیدگی دادگاه استثناء کرده باشد .

و اگر دلایل مزبور کافی برای ثبوت جرم نبود دادگاه چنانچه تکمیل بازجویی و رسیدگی را برای خود میسر نداند مستقیماً اقدام و در صورت لزوم ارجاع بمسئولیت دستور تکمیل رسیدگی صادر و پس از انجام آن موضوع را مورد حکم قرار میدهد بدیهی است رسیدگی مزبور باید در حدود صلاحیت او بوده یعنی جرم مزبور در ردیف جنحه و خلاف باشد - والا در امور جنائی که مربوط به دادگاه بالائری است یا جرائم سیاسی و نظامی باید عدم صلاحیت خود را در رسیدگی اعلام کند اینک ماده ۱ از مواد الحاقی با اصول محاکمات: اقامه دعوی جزائی از طرف مدعی العموم محکمه را در حدود صلاحیت خود و مکلف بر رسیدگی و صدور حکم بکلیه جرمهایی میکند که بموجب محتویات دوسیه متهم مظنون بارتکاب آنست و اینکه تمام آن جرمها در ادعای قید نشده باشد مگر در صورتیکه بعضی از آنها را مدعی العموم در ادعا نامه خود و یا قبل از صدور حکم صریحاً استثناء کند - در مورد این ماده هرگاه محکمه نسبت به تمام یا بعضی از جرمها تحقیقات را ناقص دید آنرا تکمیل کرده یا امر به تکمیل میدهد .

۲ - جرم کشف شده با جرم مورد حکم از یکدرجه بوده و مجازاتاً مساوی هستند - در این مورد فرض اینستکه حکم مجازات قبلاً صادر شده و بعد معلوم میشود جرم دیگری هم از طرف شخص محکوم انجام شده در اینحالت و در صورت ثبوت آن باید احکام تعدد را جاری و بشا بر این حد اکثر مجازات جرم را برای او وضع و امر با اجرای آن صادر گردد - منتها آنچه که از مجازات قبلی بموقع اجرا گذارده شده در حق او حساب خواهد شد .